



بیتوفیق خدایم علم ارباب انجمن کمالی

نسخه سرشته بصیرت ارباب علوم نور دیده صاحبان قوم در علم و فن نافع هر صغیر و کبیر مسیحی به



در مطبعه کمالی مشهد

در مطبعه کمالی مشهد کشتو طبع تن جان

گفتند عجباً که چنین دقت و برنگیداری را در این مقام  
و قیام و عزم قطع دین در این مقام است که لایحیه  
خوف از عذاب نیست که در دفع عذاب است  
و اگر چه این قوی و جیه است  
فایده این است  
که بگوید که در

[illegible][illegible]

[illegible]

طالع است زیرا که این روز و ماه و وقت  
 از برای ما بسیار نیک و سودمند است  
 و اگر چه در این روز و ماه و وقت  
 از برای ما بسیار نیک و سودمند است  
 و اگر چه در این روز و ماه و وقت  
 از برای ما بسیار نیک و سودمند است

[illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]



مجلس شورای عالی  
از علم و نور علی  
تعداد یک کتب  
کثیر الاستعمال  
شاد است  
تعداد و انضمام  
باب دیگر است  
و احوال این  
از کتب و







*(Handwritten Persian text)*

فصل فعل یفعل و صیغ النصب باری کردن ماضی وی را  
چهارده مثال بود شش غائب بود سه از آن مذکر را چون نصب نکر  
نصب و اوسته از آن مؤنث را چون نصب نکر نصب نکر و شش  
مخاطب بود سه از آن مذکر را چون نصب نکر نصب نکر و سه  
از آن مؤنث را چون نصب نکر نصب نکر و دو از آن مخاطب  
متکلم بود چون نصب نکر نصب نکر و مستقبل را نیز چهارده مثال بود  
چنانکه در ماضی و مستقبل و چون نصب نکر نصب نکر  
نصب نکر نصب نکر نصب نکر نصب نکر و نصب نکر  
نصب نکر نصب نکر نصب نکر و دیگر ابواب پنجگانه هم برین  
قیاس و ضرب خبر یا خبر بونا آخر علم علمای ما آخر منع  
منع مانع مانا آخر حبیب حبیب حبیب مانا آخر شرف شرف  
شرف فاعل مانا آخر مستقبل چون یفعل یفعل یفعل بونا آخر  
یعلم یعلم یعلم مانا آخر منع یفعل یفعل یفعل مانا آخر  
یحبیب یحبیب یحبیب مانا آخر یفعل یفعل یفعل مانا آخر  
فصل فعل مستقبل را فعل ماضی گیرند زیاده و یفعل یفعل یفعل

[illegible]



[illegible][illegible]















[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]

2

[illegible]

مفتوح می باشد که باقی آن در صورتی که در دسترس نباشد









قیل و اما آخر قبل و قبل قول بود کسر و او ثقیل بود بقای و او بعد  
سلب است قاف قول شد و ساکن قبل او کسور و او متبلی است  
بیا و او از قلن تا آخر بقای ساکنین افتاد و جمله قبل قاف باز آمد  
صورت معلوم و مجهول و امر یکی شد و قبل معلوم قولن است و قبل قلن  
مجهول قولن و قبل قلن امر قولن است و قبل مجهول بقال یقالان  
یقالون تا آخر یقال و قبل یقول بود و او متحرک قبل او حرف صج  
ساکن حرکت و نقل کرده بقای و او در اول متحرک بود و اکنون  
ما قبل وی مفتوح گشت آن و او را بان ل کرده و یقال شد و چنین  
و غیر الفاظ و یقلن الف بالقیام ساکنین بنفید امر غائب مجهول  
لیقل لیقل لا لیقل الف اما آخر نمی غائب مجهول لا یقل  
لا یقال لا لیقال الف اما آخر هم فاعل قائل قائلان قائلون  
تا آخر قائل و قبل قائل بود چون او را در فعل ماضی یا یف بل کرده  
در هم فاعل نیز چنین کرده و الف حرکت کسره و او در قائل شد  
هم فعل قول مقول مقولان مقولون تا آخر مقول و قبل مقول بود  
ضمه بر او ثقیل و نقل کرده قبل و او در یک و بنفید و قول شد و چنین

سلب است قاف قول شد و ساکن قبل او کسور و او متبلی است  
بیا و او از قلن تا آخر بقای ساکنین افتاد و جمله قبل قاف باز آمد  
صورت معلوم و مجهول و امر یکی شد و قبل معلوم قولن است و قبل قلن  
مجهول قولن و قبل قلن امر قولن است و قبل مجهول بقال یقالان  
یقالون تا آخر یقال و قبل یقول بود و او متحرک قبل او حرف صج  
ساکن حرکت و نقل کرده بقای و او در اول متحرک بود و اکنون  
ما قبل وی مفتوح گشت آن و او را بان ل کرده و یقال شد و چنین  
و غیر الفاظ و یقلن الف بالقیام ساکنین بنفید امر غائب مجهول  
لیقل لیقل لا لیقل الف اما آخر نمی غائب مجهول لا یقل  
لا یقال لا لیقال الف اما آخر هم فاعل قائل قائلان قائلون  
تا آخر قائل و قبل قائل بود چون او را در فعل ماضی یا یف بل کرده  
در هم فاعل نیز چنین کرده و الف حرکت کسره و او در قائل شد  
هم فعل قول مقول مقولان مقولون تا آخر مقول و قبل مقول بود  
ضمه بر او ثقیل و نقل کرده قبل و او در یک و بنفید و قول شد و چنین























۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

مجلسه اولیٰ موسسه ۱۱ برقیس باقی شد که در روز پنجشنبه بر منبری رفت و او را ویرانی یاد و در منبری یاد و در منبری یاد

بر قیاس آن بابی المضاعف الذاکشین ماضی معلوم شد  
 مذامدا و تا آخر مد وصل مد بود چون اجتماع دو حروف از یک جنس  
 ثقیل بود اول ساکن کرده در دوم او غام کرده شد در مدون تا آخر  
 چون ال دوم ساکن لازم بود او غام ممکن نشد ازین جهت بر حال خود مانده  
 مستقبل معلوم میگرداند این یحذون تا آخر یحذون وصل میگردود  
 حرکت ال اول نقل کرده باقی ال دوا و اول را در دوم او غام کرده شد  
 و در یحذون او غام ممکن نبود چنانکه در مدون ماضی مجهول مذامدا  
 تا آخر مستقبل مجهول میگرداند این یحذون تا آخر امر حاضر و مضارع  
 چهار وجه نیست مذامدا و ال و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون  
 مذامدا و ال و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون  
 لیکن یحذون و برین قیاس حال نمی لایمدا لایمدا لایمدا لایمدا و حال جمیع  
 لم یحذون لم یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون  
 چنانکه گذشت و دوم فعل یحذون بن یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون  
 بر یحذون سوم فعل یحذون چون یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون و یحذون  
 دو بابست وجه جائزست زیرا که ضمته از برای موافقت همیشگی قبل

[illegible]



[illegible]









[illegible]





























[illegible]











